

۱۳۸۳ / ۱۸ / ۲۶

دانشگاه علم و صنعت ایران

پایان نامه

دانشکده مهندسی صنایع

جهت اخذ درجه کارشناسی رشته مدیریت دولتی

تحت عنوان

نگرشی بر مدیریت اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی ضیایی بیگدلی

نگارش:

فضل اله شاپوری

محمد رضا حبیبی تنها

۶۴۱۸۸

۱.....	تشکر و قدر دانی
۲.....	فهرست مطالب
۶.....	پیشگفتار

فصل اول

۹.....	طرح تحقیق
۱۰.....	تعریف مدیریت
۱۲.....	تاریخچه مدیریت اسلامی
۱۲.....	تشکیل نظام مدیریت اسلامی
۱۳.....	حکومت و عدالت
۱۴.....	رابطه حکومت و مدیریت
۱۵.....	لزوم آگاهی از مدیریت اسلامی
۱۷.....	تعریف موضوع
۱۸.....	دلایل یا اهمیت انتخاب موضوع
۱۹.....	هدف تحقیق یا بیان چگونگی شناخت آن (طرح نظری تحقیق)
۲۰.....	قلمرو تحقیق شامل قلمرو زمانی - مکانی - موضوعی
۲۱.....	تعریف مفاهیم

فصل دوم

تاریخچه‌ای از مدیریت

۲۵.....	الف: مدیریت چیست
---------	------------------

۳۷	ضرورت مدیریت
۳۹	فلسفه ثبت و ضرورت
۳۹	نقش مدیریت
۴۲	ب: تئورهای مدیریت
۴۴	مراحل مدیریت سازمانی
۴۴	تئوری کلاسیک
۴۵	مدیریت علمی تیلور
۴۸	پژوهش های هنری فایول
۴۸	فرضیات فایول
۴۹	اصول مدیریت از دیدگاه فایول
۵۲	نتایجی که فایول به آنها دست یافته
۵۳	وجوه مشترک نظریات تیلور و فایول
۵۳	پژوهش های آدام اسمیت
۵۴	ج: اندیشمندان و مدیریت
۵۴	۱- افلاطون
۵۵	۲- ارسطو
۵۶	۳- فارابی
۵۷	۴- ابن خلدون
۵۸	۵- ابوعلی سینا
۵۹	۶- خواجه نظام الملک طوسی

- ۶۰ ۷- نظام عروضی
- ۶۰ ۸- سعدی شیرازی
- ۶۰ ۹- مولوی

فصل سوم: روش و مراحل اجرای تحقیق

- ۶۳ الف: ارکان مدیریت
- ۶۳ برنامه ریزی
- ۶۷ سازماندهی
- ۷۷ ایجاد و برقراری روابط
- ۷۹ ب: رهبری
- ۷۹ تعریف رهبری
- ۸۰ قدرت
- ۸۷ ویژگی‌های فردی رهبر در آیات و روایات
- ۹۷ کنترل
- ۹۸ پیگیری
- ۱۰۳ تصمیم‌گیری

فصل چهارم: اطلاعات

تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده

- ۱۰۶ - ویژگیهای اخلاقی مدیر

- ۱۱۵.....- اخلاق مدیران
- ۱۲۵.....- عوامل سقوط مدیران
- ۱۳۱.....- آفات مدیریت

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۱۶۷.....- محدودیت های پژوهش
- ۱۶۹.....- نتیجه گیری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشگفتار

ظهور سازمانهای اجتماعی و گسترش روز افزون آنها یکی از خصیصه‌های بارز تمدن بشری است. به این ترتیب و با توجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی ویژگیها و نیازهای خاص هر جامعه، هر روز بر تکامل و توسعه این سازمانها افزوده می‌شود. بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهدافی طراحی شده و با توجه به ساختارش نیازمند نوعی مدیریت است. ناگفته نماند که ظهور پدیده «اداره کردن» مربوط به روزگاراخیر نیست، بلکه از دیر باز، بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک «هدف»، لازم است به بسیج امکانات و رهبری این امکانات به سوی آن هدف مشخص اقدام کند.

باید توجه داشت شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی بستگی به ساخت فرهنگی آن تمدن دارد. از جمله خاطره تلخ دانشمندان اروپا از دادگاههای انگیزسیون ویم از تکرار مطالعات مدرسه‌ای، باعث شد تا تحلیل مبتنی بر تجربه صرف علمی پس از رنسانس بر روح تحقیق در غرب حاکم گردد و سرانجام انسان نیز به عنوان یکی از عوامل تولید در ردیف ماشین و دیگر منابع به شمار آید؛ یعنی انسانی که خود خالق ماشین است، در نظام ارزشی غرب، هم‌تراز مخلوق خویش و گاه در آثار بعضی از متفکران، حتی در سطحی پست‌تراز ماشین جای گرفت؛ و این بسیار شگفت‌آور است. امروزه اگر چه مطالعات انسان‌شناسی، بعضی از صاحب‌نظران غربی را متوجه این امر کرده است که در تحلیل‌هایی «مهندسی انسانی» انسان را تنها به عنوان یک عامل صرف محسوب نکنند، اما متأسفانه همچنان صدای خرد شدن «ارزشهای الهی انسان» در لابلای چرخهای ماشین‌نیم غربی و شرقی طنین انداز گوش تاریخ است. یکی از

پیامدهای مهم در هم ریخته شدن نظام ارزشی غرب، حاکم شدن مکتب اصالت نفع بر روند فعالیتهای اقتصادی و تولید است؛ معتقدین به این مکتب یک عمل را تا آنجا درست قلمداد می‌کنند که برای فرد یا افرادی، بیشترین خوشی و آسایش را به وجود آورد. به بیان دیگر، ملاک درستی یک عمل نتایج آن است نه شیوه انجام آن عمل؛ در واقع طرفداران این اندیشه، چهره اصلی هر عمل را که همانا انگیزه آن می‌باشد بی‌بها جلو داده‌اند بدیهی است در این مکتب میزان درستی نتیجه بستگی به میزان «سود دهی» آن دارد. بدین سان این تمدن بعد از انقلاب صنعتی به یک تمدن سودانگار تبدیل شد و در نتیجه زندگی بشر در غرب، صحنه رقابت تمام عیار «سود محوری» شده است. روشن است که اصول مدیریت حاکم بر چنین جوامعی را نمی‌توان «مطلق» پنداشت و یا کاربرد تمامی آن اصول را در جوامع مختلف مجاز دانست. اگرچه به کارگیری «تئوریهای مناسب» مدیریت خالی از اشکال است.

مدیران وظایف خود را در دنیای روابط و در بین انسانهایی انجام می‌دهند که پیوسته اخلاق، رفتار، میزان تحمل و شیوه هدایت آنان را نظاره می‌کنند و در نتیجه با مشاهداتشان از ارزشها، باورها و نگرشهای مدیر تأثیر می‌پذیرند. صاحب‌نظران ساخت سازمانی را سیستمی از روابط می‌دانند که بر فعالیتهای افراد و گروهها حاکم است. بنابر این تمایز میان مدیریت ها و ساختهای سازمانی را می‌توان در گوناگونی سیستم روابط حاکم بر فعالیتهای افراد و گروههای کاری هر سازمان جستجو کرد. مدیریت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل اول

آشنائی با تحقیق



پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح تحقیق:

نگرشی بر مدیریت اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعریف مدیریت

قبل از ورود به بحث مدیریت، لازم است در مورد «مدیریت» مطالبی بیان شود. درباره مدیریت تعریفهای بسیاری ارائه شده که از باب نمونه به ذکر چند تعریف اکتفا میکنیم:

۱- مدیریت، راه بردن کاری و دستگاهی و نظم و نسق دادن و سرپرستی کردن می باشد.

۲- علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیتهای دسته جمعی برای نیل به هدفهای مطلوب، با حداکثر کارایی.

۳- کار کردن با افراد، و به وسیله افراد و گروهها برای تحقق هدفهای سازمانی.

۴- مدیریت، عبارت است از کاربرد تکنیکهای مختلف اداره اموری که گروه انسانی، و هماهنگ نمودن کلیه فعالیتهای یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آنها را مدیران و یا سرپرستان سازمانی می نامند.

در مورد تعریف «مدیریت» به اندازه ای نوشته ها گوناگونند که یکی از نویسندگان می گوید:

تقریباً به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتب مدیریت، تعریف مدیریت وجود دارد، ولیکن یک وجه مشترک بین همه این تعاریف دیده می شود و آن هنر یا علم اداره یک مجموعه، جهت نیل به هدفهای سازمانی است.

اما با توجه به آنچه از مکتب و شرع مقدس فهمیده می شود، هرکسی که توانست مجموعه ای را به اهداف خود برساند و یا به سوی اهداف سازمانی حرکت دهد،

نمی‌تواند مدیریت توانا قلمداد شود و عملکرد او، گرچه با هزاران تزویر، دروغ، خدعه، نیرنگ، سوءاستفاده و ظلم به دیگران همراه باشد، مدیریت نامیده شود.

تعاریف فوق برای غرب مفید است که پیشرفت، کار و تولید بیشتر و مسائلی از این قبیل برای آنها از هر چیز مهمتر بوده و انسانها را در اشکال مختلف مدیریت فقط بدین منظور در اختیار قرار گرفته و رهبری می‌کنند، ولی ما مدیریت را این چنین تعریف می‌کنیم:

مدیریت: «هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد».

در دنیای مدیریت اسلامی رعایت قوانین شرع مقدس از مهمترین مسائل بوده و باید با حساسیت بسیار دنبال شود.

اسلام، نه کاپیتالیسم و سرمایه‌داری غرب است که تنها جهت تولید و سود بیشتر به عنوان اصلیت‌ترین هدف، برنامه ارائه نماید، و نه دین مسیحیت امروز است که در چهار چوب خشک کلیسا محصور شده و برای اداره جامعه برنامه نداشته باشد بلکه دینی است که جهت اداره، رهبری و مدیریت جامعه برنامه ارائه می‌کند؛ اما در سویی که حقوق انسانی افراد بشر رعایت شده و ضمن ایجاد حرکت و پویایی بیشتر، انسانها را در مسیر مستقیم و الهی خود رشد دهد.

تاریخچه مدیریت اسلامی

تشکیل نظام مدیریت اسلامی

برقراری حکومت الهی از اهداف مهم انبیاء عظام بوده است. آنان در این مسیر تلاشهای بسیاری مبذول داشته، هرگاه زمینه و موقعیت را برای چنین عمل ارزشمندی مناسب می دیدند، در انجام آن تردیدی به خود راه نمی دادند.

حضرت موسی - سلام... علیه - در مقابل حکومت فرعون انقلاب نموده و پس از آن قوم خود را نجات داده و حکومت برپا می نماید. آن حضرت برای خویش جانشین انتخاب می کند، قضاوت می نماید، زران و زنان پست - مانند قارون - را تنبیه می کند، تزویر پردازان رویاه صفت - مانند سامری - را محاکمه می کند.

پیامبر اسلام (ص) نیز حکومت تشکیل می دهد، قضاوت می کند، لشگرکشی می نماید، جنگ می کند، صلح نمی نماید، دادمظلومان را می ستاند، منافقین را سرکوب می کند، مالیات می گیرد، از فقرا و محرومان دستگیری می کند و...

علی (ع) هم دربرهه ای که راه بر او می گشایند، حکومت تشکیل می دهد و همان حرکت پیامبر (ص) را دنبال می کند.

دیگر امامان معصوم هم، گرچه ظالمانه از انجام این فریضه الهی بازداشته می شوند، ولیکن در مناسبتهای مختلف به شیعیان گوشزد می نمایند که تشکیل حکومت و اجرای عدالت در بین مسلمانان، حق مسلم آنان است.

مسأله تشکیل حکومت بحدی دارای اهمیت است، که در روایات از ضروریات جامعه به حساب آمده، تا آن جا که حکومت حاکمان جائر و ستمگر بهتر از بی حکومتی قلمداد شده است.

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ يَرِئُ الْفَاجِرَ بِعَمَلِ إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنِ وَيَسْتَفْتِي فِيهَا الْكَافِرَ».^(۱)

مردم به زمامدار نیازمندند، خواه نیکوکار باشد، یابدکار، تامؤمنان
درسایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند.

امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید:

«وَالِ غَشُومٌ ظَلُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومٌ».^۲

والی ستمگر ظالم بهتر از هرج و مرج همیشگی است.

از این دو روایت بخوبی روشن می‌شود که امیر المؤمنین علی (ع) برای اداره جامعه،
تشکیل حکومت را ضروری دانسته و هرج و مرج و بی حکومتی را از هر چیز بدتر
می‌دانند، چه حاکم ظالم باشد یا عادل.

حکومت و عدالت

پس از اثبات لزوم تشکیل حکومت، بحث وظایف حکومت مطرح می‌شود، که در
سرلوحه آن وظایف مسئله اجرای عدالت بچشم می‌خورد عدالت گستری و مبارزه با
ظلم و بیداری از نظر دین مبین اسلام واضح و روشن است که نیاز به استدلال و بحث
ندارد امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

«سَعِيَ أَكُولٌ خَطُومٌ خَيْرٌ مِنْ وَالِي غَشُومٍ ظَلُومٌ».^۳

حيوان درنده شکم‌گنده پرخور بهتر است از حاکم ستمگر و ظالم.

رابطه حکومت و مدیریت

پس از اثبات لزوم تشکیل حکومت از نظر روایات اسلامی، باید توجه داشت که حکومت کردن خود نوعی مدیریت است و اجزای پیکره نظام و حکومت نیز توسط مدیریتهائی، باید اداره شود از اینرو باید گفت هنگامیکه گفته می شود، تشکیل حکومت لازم و ضروریست، بمعنای آنست که باید مدیریتهائی براساس عدل، از رأس حکومت تا پائین ترین اجزای آن بوجود آورد.

رابطه مدیریت و حکومت

پس از اثبات لزوم تشکیل حکومت، از نظر اسلام و ضرورت اجرای عدالت و پرهیز از ستم، این سؤال مطرح می شود که چه کسی می تواند ملاک تشخیص عدل از ظلم را به ما معرفی کند؟

جواب مفصل این سؤال در کتب اعتقادی موجود است، ولی در یک جمله می توان گفت: امروز دین آسمانی اسلام می تواند ملاکهای عدل و ظلم را به ما معرفی نماید، چون تحت تأثیر هواهای نفسانی انسانها نبوده و دستورات آن از سوی آفریدگار می باشد.

مسأله دیگری که باید در این جا به آن اشاره کرد، این است که حکومت، نوعی مدیریت است و اجزای حکومت هم که به شکلی متکفل انجام امور مردم می باشند، به نحوی مدیریت می کنند. برای انجام امر یاد شده، نیاز به مدیرانی است که براساس عدالت و با توجه به رهنمودهای دینی، مدیریت جامعه را به عهده گیرند.